

درس چهل و سوم پیغام آخر موسی تثیبه

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود تعیین کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه باری دیگر برنامه طریق عدالت را به شما تقدیم می‌کنیم.

در چهل و دو درس گذشته، کتاب اول کتب مقدس، یعنی کتاب تورات را بررسی کردیم. همانگونه که می‌دانید، خدا بود که سخنان خود را در ذهن حضرت موسی قرار داد و به الهام بخشید تا تورات را بنویسد. تقریباً سه هزار و پانصد سال از زمانی که موسی تورات را نوشت گذشته است، اما با وجود گذشت این همه سال هنوز این کتاب بسیار ارزشمند است. تورات بنیادی است که خدا خود قرار داد، تا هر آنچه را که می‌شنویم محک بزنیم و ببینیم که آیا از سوی خدا است یا خیر. تعلیم تورات حقایق مسلم درباره خدا است. هر تعلیمی که با آن در تضاد باشد دروغ است. تمام حقایق خدا با آنچه در تورات ثبت شده است هماهنگی کامل دارد. یک چیز است که خدای قادر نمی‌تواند انجام دهد. آیا می‌دانید آن چیست؟ بله درست است، خدا نمی‌تواند خود را نقض کند! موسی در تورات این سخنان را رشته تحریر درآورد، «خدا انسان نیست که دروغ بگوید. و از بنی آدم نیست که به اراده خود تغییر بدهد. آیا او سخنی گفته باشد و نکند؟ یا چیزی فرموده باشد و استوار ننماید؟» (اعداد ۲۳: ۱۹)

خدا توسط مطالعه تورات موسی اسرار بسیار عمیقی را بر ما مکشوف کرد. امروز قصد داریم به سفر خود در تورات مقدس پایان دهیم. پیش از اینکه به بابهای پایانی نگاه بیندازیم، بیایید دوباره به آنچه که از آغاز تا کنون مطالعه کرده‌ایم نگاهی بیندازیم.

در باب اول تورات، دیدیم خدا انسان اول را به صورت خوا آفرید. خدا می‌خواست رابطه‌ای عمیق و نزدیک با انسانی که خلق کرده بود داشته باشد. به همین خاطر است که او در جان انسان ذهن (روح) را قرار داد تا خدا را بشناسد و به او قلبی داد تا خدا را دوست داشته باشد و اراده‌ای به او بخشید تا خود انتخاب کند که از خدا اطاعت کند یا نکند.

در باب سوم، دیدیم که انسان اول، آدم، اطاعت از شیطان را برگزید و از درختی که خدا منع کرده بود خورد. از این رو کتاب مقدس می‌گوید: «بوساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت؛ و به اینگونه موت بر همه مردم طاری گشت، از آنچه که همه گناه کرده‌اند.» (رومیان ۵: ۱۲) مجازات گناه مرگ و جدایی ابدی از خدا است.

دیدیم که خدا آدم و حوا را به خاطر گناهانشان از باغ عدن بیرون کرد. اما پیش از اینکه آنها را بیرون کند اعلام کرد که قصد دارد روزی نجات‌دهنده را به این دنیا بفرستد، تا در نجات را به روی فرزندان آدم بگشاید؛ تا آنها را از تسلط شیطان و عقوبت گناه برهاند.

سپس دیدیم که خدا ابراهیم را فرا خواند، و به او وعده داد تا امتی خاص از او تولید کند تا از آن امت انبیا و نجات‌دهنده ظهور کنند. بنابراین ابراهیم اسحاق را آورد؛ و اسحاق یعقوب را آورد؛ و یعقوب دوازده پسر آورد. سپس خدا نام اسرائیل را بر یعقوب نهاد. دوازده پسر اسرائیل امت جدیدی که خدا به ابراهیم وعده داده بود شکل دادند. دوازده برادر بزرگتر یوسف او را به عنوان یک برده به تاجران فروختند که تاجران او را به مصر بردند. اما «آنچه آدمی بکارد همان را درو خواهد کرد.» (غلاطیان ۶:۷) در نتیجه دیدیم که بنی‌اسرائیل در مصر به بردگی کشیده شدند. اما با اینحال خدا وعده‌ای را که به ابراهیم و فرزندانش داده بود فراموش نکرد. در کتاب خروج دیدیم که خدا به وعده خود به ابراهیم جامه عمل پوشانید و موسی را خواند تا اسرائیل را از اسارت بردگی آزاد کند.

در بررسی داستان موسی، واقعه عجیب و خارق‌العاده‌ی رهایی بنی‌اسرائیل از ظلم و تعدی فرعون و مردم مصر را خواندیم. همچنین خواندیم که چگونه خدا آنها را در بیابان حفظ کرد و آنها را تا به مرز کنعان آورد، سرزمینی که سالها پیش آن را به جد آنها ابراهیم وعده داده بود. اما با اینحال، اکثر مردم اسرائیل از انسانهای غول‌پیکر کنعان می‌ترسیدند و به خدا توکل نکردند تا او آنچه را که به آنها وعده داده بود انجام دهد. به همین خاطر است که آنها به سرزمین پر از برکت کنعان داخل نشدند.

بنی‌اسرائیل به خاطر بی‌ایمانی خود به مدت چهل سال در بیابان آواره شدند، تا تمام کسانی که به وعده خدا در مورد کنعان توکل نکرده بودند مردند. این تنبیهی بود که خدا به خاطر بی‌ایمانی آنها بر آنها آورد. مسلماً «خداوند.... خدای امین و از ظلم مبرا است و عادل و راست است او.» (تثنیه ۳۲:۴)

اکنون، بیایید به سفر خود در تورات پایان دهیم. به یاد داشته باشید که بنی‌اسرائیل در بیابان بودند زیرا خدا آنها را به خاطر بی‌ایمانیشان تنبیه کرده بود. تمام کسانی که بیش از بیست سال سن داشتند و به آنچه خدا در مورد سرزمین کنعان وعده داده بود ایمان نیاوردند درگذشتند. حتی یک نفر هم زنده نماند. اما اکنون فرزندان آنها به مرز کنعان رسیده بودند. بنی‌اسرائیل پس از چهل سال سرگردانی در بیابان، اکنون از اینکه می‌خواستند در سرزمینی که پدرانشان نتوانستند به آن وارد شوند ساکن شوند بسیار نگران بودند.

امروز قسمت پنجم تورات یعنی کتاب تثنیه را بررسی خواهیم کرد. در این قسمت پایانی موسی شریعت مقدس خدا را بازنگری می‌کند و آن را به طوایف بنی‌اسرائیل می‌آموزد. این کتاب بسیار عمیق شامل پیغام پایانی موسی به قوم است، پیغامی که قوم را برای ورود به سرزمینی که خدا به آنها وعده داده بود آماده می‌ساخت. وقت ما کفاف نمی‌دهد تمام موعظه موسی را بخوانیم، اما می‌توانیم کل سخنان موسی را در یک عبارت خلاصه کنیم: «فراموش نکنید!»

به طور خلاصه موسی چنین چیزی به بنی اسرائیل گفت: مبادا فراموش کنید که زمانی در مصر برده بودید! هیچگاه آنچه را که خدا در طول راه، میان مصر برای شما انجام داد فراموش نکنید! هیچگاه گناهانی را که نسبت به خدا مرتکب شدید فراموش نکنید! فراموش نکنید چگونه خداوند اجداد شما را به خاطر بی‌ایمانی آنها مجازات کرد، به همین خاطر اجساد آنها در بیابان ماند. هیچگاه فراموش نکنید که خدا به اجداد شما نیکی کرد، اما در مقابل آنها سرسختی کردند و به او ایمان نیاورند. **فراموش نکنید!**

امروز اگر صدای خدا را می‌شنوید، دل خود را سخت نکنید، آنگونه که اجداد شما در بیابان کردند. آیا شما نیز همچون اجدادتان خواهید بود که به کلام خدا ایمان نیاوردند، یا اینکه به خداوند خدایتان ایمان دارید؟ اگر همچون اجداد خود به کلام خدا ایمان نیاورید، خدا همانگونه که آنها را مجازات کرد شما را نیز مجازات خواهد کرد. **این را فراموش نکنید!**

خداوند خدا شما را سرزمینی خواهد برد که در آن شیر و شهد جاریست، سرزمینی که به اجداد شما وعده داده بود. خدایی را که این سرزمین را به شما بخشیده است فراموش نکنید، زیرا انسان تنها محض نان زیست نمی‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خداوند صادر می‌شود! **این را فراموش نکنید!**

پس از پایان موعظه خداوند به موسی گفت:

به این کوه عباریم یعنی جبل نبو که در زمین موآب در مقابل اریحاست برآی، و زمین کنعان را که من آن را بنی اسرائیل به ملکیت می‌دهم، ملاحظه کن. و تو در کوهی که به آن بر می‌آیی وفات کرده..... زیرا که شما در میان بنی اسرائیل نزد آب مریبا قادش در بیابان سین به من تقصیر نمودید، چونکه مرا در میان بنی اسرائیل تقدیس نکردید. پس زمین را پیش روی خود خواهی دید، لیکن به آنجا به زمینی که به بنی اسرائیل می‌دهد، داخل نخواهی شد.» (۵۲-۴۹:۳۲)

و موسی از عربات موآب، به کوه نبو، بر قلعه فسجه که در مقابل اریحاست برآمد، و خداوند تمامی زمین را از جلعاد تا دان به او نشان داد.... تمامی زمین یهودا را تا دریای مغربی.... و خداوند وی را گفت: «این است زمینی که برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورده، گفتم که این را به ذریت تو خواهم داد، تو را اجازت دادم که به چشم خود آن را ببینی لیکن به آنجا عبور نخواهی کرد.» پس موسی بنده خداوند در آنجا به زمین موآب بر حسب قول خداوند مرد. و او را در سرزمین موآب ... دفن کرد، و احدی قبر او تا امروز ندانسته است. و موسی چون وفات یافت، صد و بیست سال داشت، و نه چشمش تار، و نه قوتش کم شده بود. و بنی اسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند. پس روزهای ماتم و نوحه‌گری برای موسی سپری گشت. و یوشع بن نون از روح حکمت مملو بود، چونکه موسی دستهای خود را بر او نهاده بود. و بنی اسرائیل او را اطاعت نمودند، و بر حسب آنچه خداوند به موسی امر فرموده بود، عمل کردند. و نبی‌ای مثل موسی تا بحال در اسرائیل برنخاسته است که خداوند او را روبرو شناخته باشد، در جمیع آیات و معجزاتی که خداوند او را فرستاد تا آنها را در زمین مصر به فرعون و جمیع بندگانش و تمامی زمینش بنماید، و در تمامی دست قوی، و جمیع آن هیبت عظیم که موسی در نظر همه اسرائیل نمود. (۳۴)

شنوندگان عزیز اینچنین تورات به پایان می‌رسد. هر آنچه در تورات نوشته شده برای معرفت ما نوشته شده است، معرفتی که ما را به سوی ایمان به راه نجات خدا هدایت می‌کند. مسلماً موسی نبی بزرگی بود. او خدا را رو در رو دیده بود می‌شناخت. او معجزات بزرگی از سوی خدا ظاهر کرد. خدا توسط موسی بنی اسرائیل را از ظلم و تعدی موسی رهانید. همچنین خدا به دستان موسی تورات را که کتاب اول کتاب مقدس است عطا کرد. هر کس باید آنچه را که حضرت موسی نوشته است بداند. هر کسی که تورات موسی را نمی‌داند، در اشتباه است و خطر هلاکت در طریق بی‌عدالتی او را تهدید می‌کند. به یاد داشته باشید، تورات بنیادی است که خدا خود بنا نهاد، بنیادی توسط دیگر انبیا ادامه کتاب مقدس خود را بر آن بنا کرد.

حقیقتاً حضرت موسی کلامی عمیق و بسیار زیبا و عجیب نوشت. اما در میان تمام چیزهایی که موسی انجام داد و نوشت هیچ چیز مهم‌تر از آنچه او در قسمت پنجم تورات، در باب هجده نوشت نیست. او در این باب به بنی اسرائیل گفت که خدا قصد دارد نبی‌ای حتی بزرگتر از او به ظهور خواهد برساند که مستقیماً از سوی او سخن خواهد گفت. به آنچه موسی به بنی اسرائیل گفت گوش دهید:

یهوه خدایت، نبی‌ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید. موافق هرآنچه در حوریب در روز اجتماع از یهوه خدای خود مسألت نموده، گفتی: «آواز یهوه خدای خود را دیگر نشنوم، و این آتش عظیم را دیگر نبینم، مبادا بمیرم.» و خداوند به من گفت: «آنچه گفتند نیکو گفتند. نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد، و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هرآنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت. و هر کسی که سخنان مرا که به اسم من گوید نشنود، من از او مطالبه خواهم کرد. (تثنیه ۱۸: ۱۵-۱۹)

خدا توسط این اعلان از دهان موسی، خبر از ظهور نبی دیگری از نسل عبرانیان می‌داد (آیات ۱۵، ۱۸) انسانی که کلام خدا را به پاکی و کمال بیان می‌کرد (آیات ۱۸ و ۱۹)، نبی‌ای که میانجی میان خدا و انسان می‌شد (آیات ۱۶، ۱۷). آیا می‌دانید آن نبی که بود؟ آیا می‌دانید سخنان کدام نبی حتی مقتدرتر از موسی بود؟ آیا می‌دانید کدام نبی بود که اعمالی بزرگتر از موسی به ظهور رسانید؟ بله، نبی‌ای که موسی از آن سخن می‌گفت نجات‌دهنده عادل است، کسی که از یک باکره یهودی به این دنیا آمد. موسی درباره او هشدار می‌دهد به امت اسرائیل اعلام کرد: «او را بشنوید!..... هر کسی که سخنان مرا که به اسم من گوید نشنود، من از او مطالبه خواهم کرد.»

دوستان عزیز، در اینجا بررسی ما از کتاب تورات به پایان می‌رسد. چگونه می‌توانیم سفر خود را از این کتاب وسیع و عالی به پایان برسانیم؟ بیایید با آنچه که خود موسی در روز وفات خود به بنی اسرائیل اعلام کرد به بررسی تورات پایان دهیم. موسی در باب سی و دو گفت:

ای آسمان گوش بگیر تا بگویم..... زیرا که نام یهوه را ندا خواهم کرد. خدای ما را به عظمت و صف نماید. او صخره است و اعمال او کامل. زیرا همه طریق‌های او انصاف است. خدای امین و از ظلم مبرا. عدال و راست است او. (تثنیه ۳۲: ۱، ۳، ۴)

با این کلام خدا که از دهان موسی صادر شد با شما خداحافظی می‌کنیم. از اینکه به برنامه ما گوش دادید سپاسگذاریم. به یاری خدا در برنامه بعدی به بررسی کتاب بعدی خواهیم پرداخت و خواهیم دید که چگونه خدا بر طبق وعده‌اش بنی‌اسرائیل را به سرزمینی که شیر و شهد در آن جاری بود آورد.....

خدایی که شایسته جلال و اکرام است تا ابدالابد شما را برکت دهد! حضرت موسی به درستی گفت:
« زیرا همهٔ طریق‌های او انصاف است. خدای امین و از ظلم مبرا. عدال و راست است او.» (تثنیه ۳۲: ۴)
آمین!

